چهارشنبه مطلا

درباره ۲ مدرسه تاریخی که سال ۱۳۵۴ در طرح توسعه اطراف حرم مطهر تخریب شدند

«بهزادیه»، «باقریه» و مشتی خاطره از یاد رفته

نمای مدرسه حاج حسن خان (بهزادیه)

نمای مدرسه باقریه (سمیعیه)

فریبا فرخدا| صحبت از بناهای نابودشده یا در حال نابودی مشهد، مرثیه‌ای بلند است که اغلب ناگفته مانده است. تخریب ابنیه اطراف حرم در طرح توسعه حرم مطهر که در دوران استانداری عبدالعظیم ولیان اتفاق افتاد، یکی از همین دردنامه‌هاست. موضوع وقتی روشن‌تر می‌شود که بدانید برابر آنچه در کتاب «مشهد در آغاز قرن ۱۴ خورشیدی (مکتب شاپور)» آمده است، در مشهد ابتدای قرن ۱۴ خورشیدی، حدود هفده مدرسه تاریخی وجود داشته که از مجموع آن‌ها اکنون مدارس «دودر»، «پریزاد»، «خیرات خان» و «میرزا جعفر» باقی مانده‌اند. گزارش پیش‌رو هم نقبی است مختصر بر تاریخ دو مدرسه حاج حسن خان (بهزادیه) و باقریه که هردو اگر چه اکنون سال‌هاست که تخریب شده و به خاطره‌ها پیوسته‌اند، در زمان حیات، بخشی از میراث تاریخی این شهر بوده‌اند که از قضا نامشان در فهرست آثار ملی هم ثبت شده بود.

تاریخ مدرسه‌سازی در مشهد

پیش از آنکه برایتان از تاریخ دو مدرسه بهزادیه و باقریه بگوییم، خوب است اشاره‌ای هم داشته باشیم به تاریخ مدرسه‌سازی در مشهد قدیم یا همان ارض اقدس. نهضت ساخت مدارس در مشهد از روزگار سلاجقه آغاز می‌شود، اما پس از یک وقفه طولانی، در دوره ایلخانان و در زمانه تیمور رونق دوباره می‌گیرد. پس از مرگ او، فرزندانش این سنت را به اوج می‌رسانند و بانی ساخت مکان‌های علمی و فرهنگی زیادی می‌شوند، تاآنجاکه عشق به مدرسه و مسجدسازی به رقابت زنان پرنفوذ دربار برای بخشش جواهراتشان تبدیل می‌شود.

در این میان می‌توان به نامدارانی چون «ملک‌خانم»، «تومان‌آغا»، «ملکه کبری»، «گوهرشادآغا»، همسر شاهرخ تیموری، «بیگم سلطان»، زوجه سلطان حسین بایقرا، و «فاطمه خاتون»، همسر امیر چقماق، اشاره کرد. در ادامه، حمایت‌های «شاهرخ تیموری» و فرزند هنرمندش، «بایسنقرمیرزا»، از اهل علم و هنر سبب می‌شود از اطراف و اکناف جهان علما، دانشمندان و هنرمندان زیادی سرحدات ایران را کعبه مقصود خود بدانند و به این اقلیم کوچ کنند.

این دست فعالیت‌های فرهنگی، خراسانِ آن روزگار را هم بی‌نصیب نمی‌گذارد و تیموریان بانی پاگرفتن بناهای فرهنگی بسیاری می‌شوند که نمونه‌های آن هنوز در مشهد باقی مانده است.

پس از تیموریان، صفویان نیز این رویه را دنبال کردند. شاهان صفوی که به‌دنبال گسترش مذهب شیعه در جهان بودند، خراسان و به‌ویژه مشهد را کانون پیشبرد اهداف و آرزوهای خود قرار دادند، آن‌چنان‌که هرات در عهد شاه اسماعیل اول از دارالملکی خراسان خارج می‌شود و مشهد جای آن را می‌گیرد.

توجه به آموزش، در ادامه، تاج‌داران عصر صفوی را وامی‌دارد موقوفاتی را در این دیار به این امر اختصاص دهند. نخستین اقدام با تأسیس مکتب‌خانه «اطفال ایتام» در حریم قدس رضوی بینِ سال‌های ۹۳۰ تا ۹۸۴ قمری انجام می‌شود که برابر اسناد برجای مانده، در این مرکز آموزشی، چهل پسر و چهل دختر یتیم، زیر نظر معلمان مرد و زن شیعه‌مذهب و پرهیزکار تحصیل می‌کرده‌اند و لباس و دیگر مایحتاجشان رایگان بوده است.

مدرسه «حاج‌حسن‌خان» (بهزادیه)

بانی ساخت این مدرسه که حالا نشانش را می‌توان در چندعکس سیاه‌وسفید باقی‌مانده از دور پهلوی پیدا کرد، ملک بهزاد است که در زمان شاه‌سلیمان صفوی (قرن ۱۱ قمری) زندگی می‌کرده است. اسم این مدرسه به نام مالکش، بهزادیه نام داشته است، اما مردم به آن مدرسه حاج حسن خان هم می‌گفته‌اند که دلیل این نام‌گذاری مشخص نیست؛ البته برخی آن را ساخته‌دست‌فردی به‌نام «حاجی حسن کلباسی» می‌دانند ولی برابر اطلاعات کتیبه‌ای که بر بالای در ورودی این مدرسه نصب است، نباید چنین باشد؛ زیرا در این منقوش سنگی، نام ملک بهزاد به‌وضوح نوشته شده است.

برابر دیگر اسناد موجود نیز گویا بهزادیه از تاریخ ۱۳۰۸ خورشیدی تحت‌تصدی مستقیم اداره معارف و اوقاف بوده است. تعداد اتاق‌ها یا حجرات آن ۲۵ باب بوده و مسجدی هم در ضلع شمالی مدرسه قرار داشته است.

در کتاب «مشهد در آغاز قرن ۱۴ خورشیدی (مکتب شاپور)» هم درباره بهزادیه این‌طور سیاهه شده است: «درکتیبه سردر ورودی مدرسه به خط رقاع خوب نوشته شده که اول آن این است: «قد التفق اتمام هذه المدرسه المبارکه فی ایام» و با این عبارت «بسعی التقی حاجی الحرمین الشریفین حاجی نظر علی کتبه اقل عبادا... عنایت ا...»؛ بر لنگه چپ در آن کنده شده (بالا): «قال النبی -صلی ا... علیه وآله- أنا مدینه العلم و علی بابها»؛ (پایین): «قال من بنی مسجد اکمفحص قطاة بنی ا... له بیتا فی الجنه»؛ بر لنگه راست منقور است (بالا): « قال علی -علیه السلام- من بنی مسجد ا... بنی ا... بیتا فی‌الجنه»؛ (پایین): «کتبه اقل العبید محمد حسین الشهید المشهدی ۱۲۹۱ قمری» و بر روی زبانه [هم] نوشته‌اند: «یا مفتح‌الابواب عمل محمدعلی». مدرسه چهارده حجره مسکون و سیزده طلبه دارد. در درون مدرسه سنگی بر دیوار نصب گردیده که وقف‌نامه مدرسه در آن نگاشته شده و تاریخ تحریر آن محرم ۱۰۹۰ می‌باشد، به خط محمدخان و عمل محمد شفیع.»

ملاهاشم خراسانی در منتخب‌التواریخ هم چنین شرح می‌دهد: «گویند مدرسه بهزادیه، مشهور به مدرسه حاج حسن، در بالاخیابان و از مدرسه نواب نزدیک است به آستانه مقدسه و در سردرب مدرسه به خط رقاع کتیبه خوش خطی دارد و از او معلوم می‌شود که در زمان شاه‌سلیمان از مال ملک بهزاد ساخته شده و تاریخش ۱۰۹۰ است.» مدرسه بهزادیه یا حاج حسن خان در سال ۱۳۵۴ و هنگام توسعه اطراف فلکه حضرت تخریب و زمین آن به فضای سبز تبدیل شد.

مدرسه «ملاباقر» (سمیعیه)

مدرسه ملاباقر، باقریه یا سمیعیه در حاشیه بالاخیابان نزدیک روضه مبارکه رضویه قرار داشته و از بناهای عصر صفوی بوده است. این مدرسه هم مثل مدرسه بهزادیه تا سال ۱۳۵۴ خورشیدی دایر بوده است و طلاب علوم در آن تحصیل می‌کرده‌اند و به‌عنوان یکی از مدارس آباد و پرجنب‌وجوش مشهد شمرده می‌شده است.

برابر سنگ‌نوشته سردر مدرسه، نام آن در آغاز سمیعیه، منسوب به ملامحمد سمیع، بانی مدرسه، بوده است که به اجازه مرحوم ملامحمدباقر سبزواری (متوفای ۱۰۹۰ قمری) به دست میرعبدالحسین اصفهانی و حاج محمدشفیع اصفهانی ساخته شده است. براساس متن کتیبه، این مدرسه در سال ۱۰۸۳ قمری، یعنی در زمان شاه‌سلیمان صفوی، سقف و ستون خورده است. البته برخی تاریخ‌نگاران بر این باورند که مدرسه پیش از این تاریخ پایه‌ریزی شده و سپس در سال ۱۰۸۳ قمری به همت مرحوم سبزواری و با اختصاص مقداری املاک و کتب و دکاکین به‌عنوان وقف بر مدرسه بنای آن مرمت شده است و به‌همین‌دلیل نیز به‌علت حضور شخص وی برای تدریس در مدرسه به «ملامحمدباقره و پس از آن به باقریه» شهرت یافته است.

نوروز علی بسطامی در کتاب «فردوس‌التواریخ» می‌نویسد: «آقاجمال خونساری در اواخر زمان حیات، ترک اصفهان نموده و مجاورت امام انس و جان، علیه صلوات‌ا... الملک‌المنان را اختیار نمود و یکی از مدارس قدیمه مشهد مقدس را که در آن دوران معروف به سمیعیه بوده، تعمیر و تجدید فرمود. مبالغی کتب و املاک و دکاکین و مایحتاج بر سکنه آن هم وقف ساخت و خود به نفس نفیس در آنجا به مباحثه و تدریس پرداخت و تا حال تحریر آن مدرسه معمور و به مدرسه ملامحمدباقر موسوم و مشهور است و حال تحریر که سال ۱۳۰۱ است، اکثر طلاب ساعی و پرهیزکار و در آن مدرسه مبارکه اشتغال به درس و مباحثه دارند.»

این مدرسه همچنین دارای دو وقف‌نامه بوده که یکی از آن‌ها، وقف‌نامه کتابخانه مدرسه است که طبق آن نصف یک دربند از تیمچه‌ای که در مجاورت مدرسه بوده، توسط شیخ‌محمدرحیم (از علمای شهر مشهد) وقف کتابخانه مدرسه شده است.

همچنین مرحوم ملامحمدباقر سبزواری هم طی وقف‌نامه مفصلی، املاک و مستغلات زیادی وقف این مدرسه کرده که براساس آن، عواید موقوفات پس از تعمیرات به این صورت مصرف می‌شده است: «یک‌دهم به‌عنوان حق‌التولیه، سه‌دهم برای خیرات مرثیه‌خوانی اطعام فقرای اثنی‌عشریه به اختیار متولی، شش‌دهم باقی‌مانده برای روشنایی نظافت و حقوق خادم و شهریه طلاب...» در تحقیقاتی که در سال ۱۳۴۶ درباره درآمد موقوفات مدرسه انجام شده است، موقوفات این مدرسه سالانه ۶۲ هزار ریال درآمد داشته است. در آمار مربوط به سال ۱۳۵۲ خورشیدی هم مبلغ کل عواید حاصل از موقوفات بیش از ۳۶۹ هزار ریال گزارش شده است. مدرسه باقریه نیز در سال ۱۳۵۴ هم‌زمان با مدرسه بهزادیه، در طرح فلکه بزرگ قرار گرفت و مدرسه، دکاکین و مستغلاتش ویران شدند.

فتوحرم

راز مُهر ایوان طلای صحن «نو»

مرضیه ترابی| ایوان غربی صحن نو (آزادی)، مشهور به ایوان طلای ناصری و ایوان طلای «دارالسعاده»، یکی از مشهورترین ایوان‌های حرم مطهر رضوی است که قدمت ساخت و تزیین آن به دوره قاجار باز می‌گردد. احداث صحن نو در دوره فتحعلی‌شاه قاجار و با دستور وی، در محل باغ ایلخانی که در ضلع شرقی روضه منوره قرار داشت، آغاز شد. این مکان ظاهرا از قدیم‌الایام ورودی اصلی به فضای روضه منوره بوده که مسیر آن از رواق ا...وردی‌خان تأمین می‌شده است.

صحن نو به‌دلیل قرار گرفتن در فضای پایین‌پای مبارک، از جهت ورود به قصد زیارت، محل توجه علما و عرفا بود. در دوره ناصرالدین‌شاه، یعنی حدود ۱۵۵ سال قبل، ایوان متصل به فضای رواق دارالسعاده، به تقلید از ایوان جنوبی صحن عتیق (انقلاب) -مشهور به ایوان طلای نادری- با روکشی از طلا پوشانده و با کتیبه‌های بسیار زیبایی به خط نستعلیق مزین شد.

این کتیبه‌ها به قلم «حسینعلی مازندرانی» نگارش یافته و حاوی ابیاتی است که تاریخ تزیینات را در دوره نیابت تولیت عضدالملک نشان می‌دهد. در بخشی از متن اصلی این کتیبه که در فضای داخل ایوان طلا دیده می‌شود، می‌خوانیم: «این بارگاه کیست که از خاک پاک توس/ انوار او فکنده به عرش برین عکوس/ هنگام شام نوبتیانش فراز بام/ هر یک ز کاسه سر کاوس کرده کوس/ تا خدمتی به مطبخی کار او نکرد/ آتش نگشت قبله‌گه ملت مجوس/ فرزند بوالحسن عضدالملک شه حسن/ کو را به صدر تولیت اینک بود جلوس/ از امر شاه عادل و سلطان دادگر/ بنمود همچو شمس فلک زرنشان لبوس/ با عون حق ز فاضل موقوفه امام/ شد آن چنان که چرخ برین خود از او فسوس/ القصه چون تمام شد ایوان ناصری/ کز زیور است خجلت ایوان آبنوس....» سال اتمام تعمیر و طلایی کردن بنا، طبق عدد انتهای یکی از کتیبه‌ها -که البته به‌صورت ماده‌تاریخ آمده- ۱۲۸۷ قمری (۱۲۴۹ خورشیدی) است: «ابوالسخا عضدالملک یم نوال حسین/ قیام کرد در اتمام این بلند ایوان/ چو شد تمام به تاریخ سال مینا گفت/ هلا به شوکت ایوان فزود صدر جهان» (برابر با ۱۲۸۷ خورشیدی). این ابیات و آن شکوه فوق‌العاده، البته حاشیه و بخش جزئی دیگری هم دارد که شاید کمترکسی تا به حال آن را دیده یا در متنش دقت کرده است؛ درست بر فراز در اصلی ورودی به دارالسعاده که امروزه محل ورود خواهران به روضه منوره محسوب می‌شد، مهری کوچک در قالب یک کتیبه نسخ با زمینه لاجوردی وجود دارد که دوره تزیین بنا و دلیل نام‌گذاری آن به نام «ایوان ناصری» را به‌خوبی نشان می‌دهد. این کتیبه کوچک، مُهر «ناصرالدین‌شاه قاجار» است که در یک قاب ترنجی و در میانه طلاکاری داخل ایوان، خودنمایی می‌کند و به‌دلیل کوچک بودن، با چشم غیرمسلح کمتر می‌توان متن آن را دید و قرائتش کرد.

خراسان نامه

گذری بر تاریخ منطقه کاخک گناباد (قسمت دوم)

کاخی با گمانه‌های بسیار

رجبعلی لباف خانیکی| موقعیت خاص جغرافیایی و منطقه‌ای کاخک از گذشته‌های دور باعث می‌شده است از سویی مورد استقبال و سکونت قرار گیرد و از سوی دیگر یاغیان و راهزنان به‌آن چشم طمع داشته باشند و بارها کاخک را ناامن کنند. همچنین گفتیم که در سال ۴۸۴ قمری حسن صباح، رهبر اسماعیلیه، به یکی از داعیان به نام حسین قاینی مأموریت داد قلعه‌های اسماعیلیه را در قهستان راه‌اندازی و تجهیز کند. به رهبری او حدود هفتاد قلعه در نقاط مختلف قهستان تصرف یا ساخته شد که حداقل چهار مورد از آن‌ها در گناباد و نزدیک کاخک قرار داشت. به همین دلیل است که برخی قلعه قدیمی کاخک را به اسماعیلیه نسبت می‌دهند.

اما در دوران تیموریان «مولانامحمد کاخکی» نام کاخک را برای نخستین‌بار در متون تاریخی نوشت. او که به نوشته «امیر دولتشاه سمرقندی» به فنون، علم هیئت و علوم غریبه واقف بوده، موردتوجه «میرانشاه»، فرزند تیمور، قرار می‌گیرد و در سمرقند به مجامع علمی و محافل بزمی تیموریان رونق می‌بخشد. هم‌زمان با افول ستاره بخت میرانشاه، محمدکاخکی نیز با دو تن از افاضل زمان به دستور تیمور به دار آویخته می‌شود؛ اما او کیست؟

محمد کاخکی با تخلص «ملحد» از سرسخت‌ترین شخصیت‌های اسماعیلی قهستان بود که روایت است پس از شنیدن حکم اعدامش این دو بیت را سرود: «پایان کار و آخر عمر است ملحدا/ گر بایدت و گرنه به دست اختیار نیست/ منصوروار گر ببرندت به پای دار/ مردانه پای‌دار! جهان پایدار نیست.»

در سده‌های نهم و دهم قمری هم با وجود توسعه تصوف در قهستان، هنوز مذهب اسماعیلیه حالت فعال و زنده داشت و قهستانیان را در این برهه به الحاد منسوب می‌کردند. البته آن‌ها خود از این انتساب خبر داشتند و به آن تفاخر می‌کردند. اگر چه در اواخر قرن دهم قمری تا عصر شاه‌عباس صفوی، منطقه زیر سلطه ازبک‌ها و در عذاب بود اما باوجوداین، دوران طلایی حیات کاخک هم از قضا در عصر صفویه است؛ زیرا از طرفی کاخک به‌عنوان مدفن محمدبن‌موسی(ع) ملقب به «محمد عابد» موردتوجه پادشاهان صفوی بوده و از طرف دیگر بناهای عام‌المنفعه‌ای چون مسجد جامع سربازار، مسجدجامع بالا، آسیاب‌ها، کاروان‌سراها و آب‌انبارها در کاخک ساخته شده‌اند. در همین دوران قلعه کاخک مرمت شده و به‌ظاهر مورداقامت بوده، آن‌چنان که فراوانی جمعیت ایجاب کرده است در عصر افشاری (سال ۱۱۹۸ قمری) در آن آب‌انبار آجری نسبتا بزرگی هم ساخته شود.

قلعه‌کاخک اگر چه از گذشته‌های دور در مجاورت کاخک قرار داشته اما موقعیت، ساختار و مشخصات آن به‌گونه‌ای نیست که بتوان آن را در شمار قلعه‌های شناخته‌شده و معمول اسماعیلیه محسوب کرد. این موضوع چند دلیل دارد؛ نخست آنکه قلعه برخلاف قلعه‌های اسماعیلیه، با دسترسی آسان، بر تپه‌ماهورهای مجاور کاخک بنا شده است، آن‌چنان‌که مجاری آب بر آن مسلط بوده و شبکه آب‌رسانی داشته است؛ دوم هم اینکه مصالح ساختمانی قلعه در شالوده سنگ و بدنه دیوارها خشت، گل و چینه است، درحالی‌که قلعه‌های اسماعیلیه با مصالح سنگ، آجر و ملات گچ یا گل و گچ ساخته می‌شدند؛ همچنین به جز آب‌انباری که در سده‌های اخیر ساخته شده، این قلعه مانند قلعه‌های اسماعیلیه از مخازن آب برخوردار نیست که البته کانال‌های آب‌رسانی فرضیه آن نقیصه را جبران می‌کرده است.

در ادامه خوب است چند نکته دیگر را هم یادآور شویم:

۱- در اسناد تاریخی از قلعه کاخک به‌عنوان قلعه اسماعیلیه نامی به میان نیامده است.

۲- چنانچه در پژوهش‌ها و مطالعات آینده مشخص شود که سابقه قلعه کاخک به دوران اسماعیلیه برمی‌گردد، می‌توان فرض کرد که این قلعه از نوع قلعه‌های تدارکاتی مانند قلعه زیبد بوده که مایحتاج قلعه‌های دیگر اسماعیلیه در قلمرو گناباد را تدارک می‌دیده است؛ اما باتوجه به موقعیت و شواهد، قلعه کاخک را می‌توان به‌منزله پناهگاهی از نوع پناهگاه‌های متعددی که در مجاورت روستاهای خراسان جنوبی وجود دارند انگاشت. احتمالا در مواقع خطر، حمله و هجوم یاغیان و متجاوزان، مردم تا رفع شر به این قلعه که در مجاورت کاخک قرار داشته است پناه می‌برده‌اند که در این صورت قلعه با دیوارهای بلند، احتمالا بیش از یک طبقه و برخوردار از اطاق‌های متعدد بوده است.

اما بدون تردید در جنگی که به روایت کتاب «سوانح و وقایع افغانستان» میان سردار جهان‌خان و نصرخان به نمایندگی از احمدخان صدرایی، سردار نادرشاه، از یک طرف و علیمردان خان زنگویی، حاکم تون و طبس، از طرف دیگر، در کاخک اتفاق افتاده و علیمردان خان در آن جنگ کشته شده و گناباد به تصرف افغان‌ها درآمده است و جنگجویان اموال مردم را غارت کرده‌اند، قلعه کاخک، چه در دفاع و چه در مبارزه مردم کاخک، ایفاگر نقش تعیین‌کننده‌ای بوده است. این وقایع بعد از قتل نادرشاه و زمانی اتفاق افتاده که قلعه کاخک از هرزمانی پررونق‌تر و پذیرای جمعیت زیادی تا دوران معاصر بوده، زیرا قطعات سفال دوران قاجار نیز بر سطح خرابه‌های قلعه پراکنده است.

از این قلعه، اکنون ویرانه‌ای برجاست، زیرا بر اثر زلزله مهیب ۱۳۴۷ خورشیدی، دیوارها و برج‌های قلعه فرو می‌ریزد و آنچه اکنون به‌عنوان قلعه کاخک معروف است، محوطه‌ای مستطیل‌شکل با انگاره دیوارها و برج‌هایی در گوشه‌ها و یک آب‌انبار آجری نسبتاسالم در درون قلعه است. چنانچه در قلعه کاخک گمانه‌زنی باستان‌شناسی و پی‌گردی صورت گیرد، شالوده دیوارها و سازه‌های معماری داخلی قلعه نمایان خواهد شد و امکان تاریخ‌گذاری قلعه به استناد یافته‌های باستان‌شناسی فراهم خواهد شد. در این صورت، تغییر و تحولات ساختاری قلعه مشخص می‌شود و با گویاسازی دیوارها، جاذبه گردشگری جالب و جذاب دیگری در کاخک رخ خواهد نمود. ناگفته نماند که قلعه کاخک در تاریخ دهم دی‌ماه ۱۳۸۰، به شماره ۶۸۶۹، در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

تقویم تاریخ

سالروز تأسیس آژانس جهانی انرژی اتمی

۲۹ ژوئیه سالروز ایجاد آژانس جهانی انرژی اتمی است. دولت آمریکا از سال ۱۹۴۹ میلادی و پس از اتمی شدن شوروی به فکر ایجاد چنین سازمانی افتاده بود تا همه کشورها به سلاح اتمی مجهز نشوند. این فکر هنگامی جدی‌تر شد که در سال ۱۹۵۳ میلادی شوروی دارای بمب هیدرژنی شد و ژنرال آیزنهاور، رئیس جمهور وقت آمریکا، موضوع کنترل انرژی اتمی و ایجاد آژانسی در چارچوب سازمان ملل را مطرح کرد تا کار نظارت بر استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی اتمی را به دست داشته باشد و این آژانس ۲۹ جولای ۱۹۵۷ تأسیس شد که مقر آن در شهر وین قرار دارد. به‌رغم تأسیس این آژانس، تاکنون شمار دیگری از کشورها اتمی شده‌اند.

منبع عکس‌ها:
مرکز اسناد و توسعه تاریخ شهری شهرداری مشهد

منبع اسناد:
کتاب اسناد و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد تالیف محمود پسندیده، کتاب فرهنگ خراسان (اثر طوس) از عزیزالله عطاردی و متاب مشهد در ابتدای قرن چهاردهم خورشیدی تصحیح سید مهدی سیدی فرخد